

پرده نقره‌ای

احتمال اکران پر جایزه ترین فیلم ۹۸ در پاییز

علیرضا قاسمخانی تهیه کننده فیلم سینمایی «روزهای نارنجی» در گفت و گو با خبرنگار حوزه سینما گروه فرهنگی باشگاه خبرنگاران جوان، درباره آخرین وضعیت اکران این اثر گفت: قرار داد پخش ما با فیلمبردار بسته شده و قرار است پاییز اکران شود امیدواریم اکران آن پس از ۱۵ شهریور باشد، اما در کل زمان قطعی آن مشخص نیست. او درباره حضور بین المللی این فیلم و تغییر در نسخه آن برای اکران عمومی گفت: هیچ تغییری در نسخه این فیلم نسبت به نسخه‌ای که در جشنواره فیلم فجر بود اعمال نشده است، تاکنون در جشنواره‌های بین المللی حضور خوبی داشته و ادامه خواهد داشت و تا به حال ۱۷ جایزه دستاورد این حضورها بوده است و پر جایزه ترین فیلم ۹۸ محسوب می شود.

«روزهای نارنجی» اولین اثر سینمایی آرش لاهوتی، درباره آبان، رزنی ۴۵ ساله است که واسطه استخدام کارگران فصلی است.

هدیه تهرانی، علی مصفا، مهراگان احمدی، علیرضا استادی، ژیلان شاهی، رویا حسینی، صدف عسگری، لیلی فرهادپور، اکرم علمدار، امین گلستانه و سیامک ادیب بازیگران فیلم سینمایی «روزهای نارنجی» هستند.

این فیلم در بخش نگاه نوس و هفتمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت.

صداوسیما: هائیه توسلی ممنوع تصویر نیست



شرکت پخش کننده فیلم سینمایی «ایده اصلی» که هائیه توسلی هم از بازیگران آن است، از ممنوع تصویر شدن این بازیگر در تلویزیون خبر داد اما روابط عمومی صداوسیما این خبر را تکذیب کرد.

چندی پیش پیام نیکفر، مدیر روابط عمومی شرکت «خانه فیلم»، با اشاره به پخش نشدن آگهی فیلم «ایده اصلی» از صداوسیما گفته بود: بعد از آن که تیزرهای فیلم ایده اصلی آماده شد، آن را به صداوسیما ارائه کردیم، اما به ما اعلام شد که باید بخش هایی که هائیه توسلی در آن حضور دارد حذف شود.

متری شیش ونیم با وجود نسخه قاچاق رکورد زد



«متری شیش ونیم» با عبور از میزان تماشای ۲۳ میلیون دقیقه در چهار روز، نسبت به فیلم های پرفروشی چون «هزارپا»، «تگزاس» و «آه بغل»، رکورد تماشا در چهار روز اول انتشار را شکست.

«مترس شیش ونیم» که تاکنون به عنوان پرفروش ترین فیلم غیر کمدی تاریخ سینمای ایران و برگزیده مردمی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر شناخته شده بود، این بار با شکستن رکورد تماشای آنلاین در سامانه های وی اودی خبر ساز شد.

از آنجایی که رتبه بندی فیلمها و سریالها در فضای آنلاین بر اساس میزان دقیقه تماشا است، «متری شیش ونیم» با پشت سر گذاشتن ۲۳ میلیون دقیقه تماشا از سوی کاربران فیلم، رکورد تماشا در چهار روز اول انتشار را شکست.

پیش بینی می شود این فیلم سینمایی با پشتتازی در تماشای آنلاین، رکورد های ماهیانه و سالیانه سرویس های وی اودی را هم در بین فیلم های سینمایی جابه جا کند.

وقتی در یک درام حس شادی نباشد، غم خودش را نشان نمی دهد، وقتی لبخند نباشد، اشک باور کردنی نیست. «روسی» همین اصلا سهل اما ممتنع را رعایت نمی کند، حجم بدون توقف غم و کسالت و ویرانی، فیلم را از همان دقایق ابتدایی فاقد جذابیت می کند

حس به آخر خط رسیدگی یک مرد تمام شده را عالی اجرا می کند. شراره های آتشی که در پیت حلبی انگار زیبایی و حشمتناک زندگی این دو نفر است که از دست رفته، صدای حزن انگیز تاتلیس آن موسیقی استانبولی که البته با خاطره جمعی فهم پیوند دارد زیر روح این سکانس نشسته، دیالوگ های همذات پندارانه و محرک است این سکانس مثال زدنی است و نشان می دهد تقفی قاب می داند، رنگ می داند، موسیقی می داند. این سکانس نشان می دهد چه استعدادی در سینمای ایران هست و شاید به عبارتی اسیر پیچیده نمایی شده. از این جابه آن مثال اول یادداشت می رسم یا همان عاملی که تیز خلاص را به «روسی» می زند، چیزی که فراتر از تمام ایرادات پر شمار فیلمنامه ایستاده، غلبه ی حس ممتدی از یکنواختی.

وقتی در یک درام حس شادی نباشد، غم خودش را نشان نمی دهد، وقتی لبخند نباشد، اشک باور کردنی نیست. «روسی» همین اصلا سهل اما ممتنع را رعایت نمی کند، حجم بدون توقف غم و کسالت و ویرانی، فیلم را از همان دقایق ابتدایی فاقد جذابیت می کند، به طور خاص برای مخاطبی که برایش مهم نیست که یک فیلم سینمایی چقدر از عکاسی یا نقاشی بهره برده. آن برف یکنواخت که چشم را کور می کند، حجم ویرانی بدون پاساژ «روسی» است که مخاطب را پس می زند.

مرجان است؟ این پرسش ها یعنی این که شخصیت در طراحی جاهای خالی دارد که با منطق تماشاچی جور نمی آید. از این پرسش ها باز هم هست؛ مثلا چرا یوسف با بازی میلاد کی مرام انقدر برای مرجان دلبر است و از آن طرف، چرا مرجان مقابل او آن قدر عاجز است؟ این مثلث کلیدی فیلم پرسش های بی پاسخ زیادی جلوی تماشاچی می گذارد که در روند کند و بسودن آفت و خیز «روسی» بیشتر هم به چشم می آید. در چنین شرایطی تمام تلاش ستودنی تقفی برای وسواسی که در کادربندی دارد به چشم نخواهد آمد، این همه استفاده شاعرانه و ظریف از ریل راه آهن، مخروبه های حاشیه شهر، دشت، توربین های بادی، کارگردان یگوشانه نور در جای جای فیلم و همه ی تلاش های کم نظیر که اساسا همه هنر هستند و در نهایت سینما، در غیبت داستان تلف می شوند.

برای این که بدگمان نباشید خود، «روسی» از تمام این ها خالی است و این ریسک بزرگی است و اصلا در چنین شرایطی مخاطب را روی صندلی نگه داشتن دشوار می شود. خیل عظیمی از تماشاچیان غم دائمی مرجان را درک نمی کنند. بماند که طنز طباطبایی هم نتوانسته غم را درونی کند و بیشتر یک دکور از غم ساخته اما حتی شهر و این بی زمانی و بی مکانی فیلم های این چنینی و اصلا تمام گرم هایی که بیشتر نمود تپیک دارد همه و همه مناصری هستند که نخ های ارتباطی با مخاطب عام را قطع می کند، اگر که داستان غایب باشد. آن که به سینما می آید در ابتدا دنبال قصه است. در همان ابتدا می خواهد آدم های قصه اش را بشناسد؛ کجا زندگی می کنند، در دهانشان چیست؟ و هر چقدر تعریفی که از کاراکترها ارائه شده به پیش زمینه های تاریخی و ذهنی اش نزدیک تر باشد سریع تر قلاب ارتباطی اش با روی پرده گره خواهد



رسانه ملی کنار گذاشته شد، دعوت شد تاروی صحنه رفته و جایزه یکی از برگزیده ها را بدهد.»

مطابق معمول البته حضور فاطمه معتمد آریا هم حاشیه ساز شد، دیگر عادت داریم هر جا که او باشد جملاتی بیان شود که حساسیت عده ای را برانگیزد: «ای کاش مردم در صلح و آرامش باشند تا زمانی نرسد که کسی به خاطر تحریم ها نتواند کاری را که می خواهد بکند» همین یک جمله رسانه های اصولگرا را عصبانی کرد اما خب چون



ایمان عبدلی

توماج انتقام است. ظاهرا کسی یا کسانی بلایی سر مرجان با بازی طناز طباطبایی آورده اند. مرجان همسر توماج است. او به دادخواهی از زندان فرار کرده. این اطلاعاتی که شما در سه خط خواندید و چند ثانیه از شما زمان گرفت را فیلم حدودا در ۴۰ دقیقه پرداخت می کند تا به شما برساند که ماجرا چی بوده. از همین جا به بزرگترین ایراد «روسی» می رسم؛ ابهام زایی های بیپوده و خست در دادن اطلاعات به مخاطب. حالا بعد از تماشای چند اثر از امیر حسین تقفی به قطعیت می توان گفت که او درباره عنصر حرکت داستان در فیلمنامه های احتمالا باید تجدید نظر بکند. البته اگر می خواهد مخاطب عام سینما با فیلم هایش همراهی کند. در سینمایی با نشانه های آثار تقفی که تاکید روی فضا سازی و اتمسفر در آن موج می زند و به نوعی فیلم هایی که سرشار از کانسپت است، اتفاقا داستان رونده و به

طبیعت گردها و این ها زیاد که دل به جاده می زنند، در فصول سرد سال یک فرضیه دارند که به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفته شده. آن ها بر حسب تجربه در یافته اند که وقتی برف یک محیط را می پوشاند، خیره شدن به یک سطح تماما سفید، بینایی یا احتمالا تیزبینی یک رونده را تضعیف می کند. تماشای سطح بزرگی از یکنواختی، بینایی را از کار می اندازد. بینایی از کار می افتد، یعنی اصلا کار به درک و فهم محیط هم نمی رسد و قبل از آن خلع سلاح شده اید، این را فعلا داشته باشید تا اگر خدا بخواهد در این یادداشت درباره «روسی» به یک فهم مشترک برسیم.

توماج با بازی امیر آقایی از دست یک مامور فرار کرده، در میان مترو که ای پناه گرفته، پس از چند دقیقه رفیقش پی او می آید، از لایه لای دیالوگ های بین دو نفر متوجه می شویم که انگیزه فرار

گزارش

حواشی پر شمار یک جشن سینمایی

جشن خانه سینما خوش نام می ماند؟

آبان نامجو

جشن خانه سینما به روال هر سال انجام شد و البته به روال هر سال حاشیه های بیشتر از متنش بود، البته این خاصیت هر دور همی سینمایی در ایران است، حتی جشنواره فجر هم با آن عظمت چهار حاشیه های فراوانی است اما خب یک دو قطبی نا نوشته میان جشن خانه سینما و جشنواره فجر وجود دارد.

قضیه این طوری است که خانه سینمایی ها این جشن را مستقل می دانند و جشنواره فجر را در گیر و دار تعارفات مرسوم دولتی قلمداد می کنند، ادعایی که البته خیلی هم بیراه نیست. اما خب این ادعا باعث نمی شود که چون جشن خانه سینما مستقل است، پس عاری از ایراد هم باشد، مساله ای که مخاطب حرفه ای تر سینمای ایران آن را متوجه می شود.

خسرو نقیبی از منتقد های صاحب نام سینما که در «هفت» هم معمولا حضور دارد از جمله منتقدان تاثیر گذار در روند برگزاری جشن خانه سینما است. دو روز پیش در اینستاگرام پستی گذاشت که در حاشیه جشن

خانه سینما بود. یکی از مخاطبینش در کامنت نوشته بود که فایده ای این گونه جشن ها چیست، وقتی که فیلم های دو سال قبل و بارها دیده شده و به داوری گذاشته شده را دوباره به داوری می گذارد. نقیبی البته در پاسخ به آن مخاطب به زبان طعن و کنایه گفته بود که با این حساب برگزار کنندگان اسکار و کن... هم آگاهی ندارند و باید از نظرت شما استفاده کنند.

به هر حال این بحثی که باید در یک فرصت مبسوط درباره اش حرف زده، مساله ای که خیلی از جشن های سینمایی وطنی را شامل می شود، مثلا بررسی فیلمی مثل «دارکوب» بعد از دو سال دقیقا چه کار کردی دارد؟ اما خب مساله این است که این تنها حاشیه ی جشن خانه سینما نبود. پیمان کریمی، دبیر فرهنگی روزنامه کیهان در برنامه «هفت» بابت حضور عادل فردوسی پور در جشن خانه سینما انتقاداتی را بیان کرد که کمی تندتر از حد انتظار بود. فردای آن روز کیهان البته دوباره در این باره اعلام موضع کرد: «در این مراسم، از یک مجری پر حاشیه که چندی قبل به دلیل تخلفات متعدد در برنامه سازی از